



واقعۀ غدیر و گزارشگران پر شمار آن در تاریخ

مهرداد صفا

الغدیر، نوشته علامه امینی، همچون دائرة المعارفی سترگ، انبوهی از موضوعات و مباحث تاریخی، تفسیری، حدیثی، ادبی، فقهی و... را در خود جای داده است. موضوع محوری در این کتاب، اما، چنانکه از نام آن (الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب) نیز پیداست، عبارت است از: اثبات واقعیت تاریخی ماجرای غدیر (= اعلام خلافت و جانشینی علی^ع به فرمان الهی توسط پیامبر اکرم^ص در اجتماع انبوه مسلمانان).

مؤلف طی بحثی دراز دامن و مستند، به بررسی «سند» و «دلالتهای» حدیث غدیر پرداخته و با ارائه لیستی بلند از صدها تن راویان (و مولفان و سرایندهگان) غدیر در طول ۱۴ قرن تاریخ اسلام، «تواتر» یعنی قطعیت صدور این حدیث از زبان پیامبر در غدیر خم را ثابت کرده است. سپس با بررسی مفاد حدیث غدیر، دلالت واضح آن بر «خلافت و امارت علی علیه السلام (پس از پیامبر) بر امت اسلام» را مدلل ساخته است.

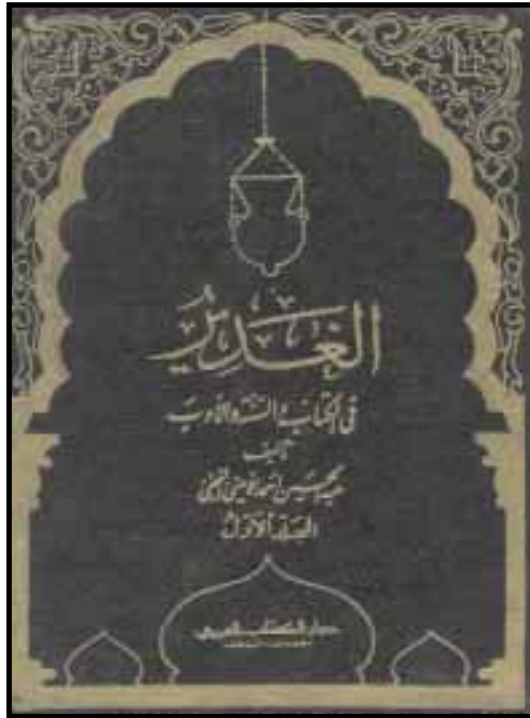
بر پایه تحقیقات امینی، تعداد ۱۱۰ تن از صحابه حدیث غدیر را روایت کرده‌اند^۱ که بینشان دهها تن از برجستگان مهاجر و انصار (همچون اسامه بن زید، ابی بن کعب، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، ابوذر، ابویوب انصاری، زید بن ثابت، سعد بن عباد، سلمان فارسی، سعد بن وقاص، عبدالله بن مسعود، عمار یاسر و...)، خلفا و فرزندانشان (ابوبکر، عمر، عثمان، عبدالله بن عمر)، همسران پیامبر و بستگان نزدیک وی (ام سلمه، اسماء بنت عمیس، حسنین^ع، عباس بن عبدالمطلب، عبدالله بن عباس و...)، و حتی کسانی که در تاریخ با امیرمومنان به ستیز برخاستند (عایشه و عمروعاص) یا به سفارش معاویه، علیه مولا و به نفع دشمنانش روایت ساختند (ابوهریره) به چشم می‌خورد.

ماجرای غدیر را بسیاری از تابعین (یعنی نسل دوم مسلمین صدر اسلام) نیز روایت کرده‌اند. نظیر: سالم نوه عمر، سعید بن جبیر، طاووس بن کيسان، عامر بن سعد بن وقاص، عمر بن عبدالعزیز. امینی نام ۸۵ تن از اینان را آورده است.^۲ در مرحله بعد، به شمار عظیمی از شخصیت‌های نامدار اهل سنت می‌رسیم که روایتگر حدیث غدیرند و در بینشان چهره‌های شاخصی از فقیهان، محدثان، مفسران، متکلمان، مورخان، ادیبان، نجویان، نسب‌شناسان، جغرافی دانان، رجالیان، فرقه پژوهان، حافظان، مفریان، قاضیان و عارفان (همچون: قاضی بیضاوی، خطیب بغدادی، خوارزمی، فخر رازی، زمخشری، محمد بن جریر طبری، ابن اثیر، ابن عبدبر، ابن عساکر، ابونعیم اصفهانی، بلاذری، یاقوت حموی، قاضی ابوبکر باقلانی، شمس الدین ذهبی، محمد بن عبدالکریم شهرستانی، جلال الدین سیوطی، سفیان ثوری و...)، صاحبان صحاح شش‌گانه و نیز سنن و مسندها (همچون: بخاری و ترمذی صاحبان صحیح بخاری و ترمذی، ابن ماجه و نسائی صاحبان سنن، احمد بن منصور بغدادی و عثمان بن محمد عیسی صاحبان مسند، شیبان و ابوقریب صاحبان مسند کبیر)^۳ و بالاخره پیشوایان مذاهب چهارگانه اهل سنت و فرزندانشان (نظیر محمد بن ادریس شافعی، احمد بن حنبل، و عبدالله بن احمد بن حنبل) وجود دارند. شمار علمای اهل سنت نیز که روایتشان از غدیر، توسط امینی در الغدیر گزارش شده به ۳۶۰ تن می‌رسد.^۴

امینی، هنگام معرفی راویان غدیر، نوعاً بزرگی مقام و وثاقت آنها - و احیاناً اعتبار کلیه راویان مذکور در سلسله روایت آنها تا زمان پیامبر - را، از دیدگاه برادران اهل سنت و به مأخذ کتب معتبر آنها، یادآور می‌شود. او، کاروان راویان غدیر در بین اهل سنت را، تا عصر خود تعقیب کرده و طومار بحث را با ذکر نام اندیشمندان برجسته اهل سنت در دو قرن اخیر همچون: سید محمود آلوسی بغدادی، عبدالفتاح عبدالمقصود و دیگران، به پایان می‌برد. بحث بعدی او، به معرفی کسانی اختصاص دارد که در باره غدیر، کتاب نوشته‌اند. همچون محمد بن جریر طبری، ابن عقده، شمس الدین ذهبی و...

احتجاجات حضرت امیر، صدیقه طاهره و حسنین علیهم السلام به حدیث غدیر در موارد گوناگون، فصل دیگری است که او در اثبات واقعیت غدیر می‌گشاید.^۵ چنانکه، بررسی آیات نازل شده در روز غدیر، بحث بعدی الغدیر است. همچون آیات: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک» و «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» و... که در روز غدیر و به مناسبت اعلام خلافت امیر المومنین^ع توسط پیامبر^ص فرود آمده و امینی (با استناد به کتب اهل سنت) به طور مبسوط به بررسی شأن نزول و مفهوم و ماجرای آنها در ربط با غدیر پرداخته است.

بحث بعد، بررسی «سند» حدیث غدیر، و اثبات «اجماع» و اتفاق علمای فریقین بر صحت و اعتبار این حدیث است. امینی گواهی ۴۳ تن



می‌خوانیم: «یُنَادِیهِمْ یَوْمَ الْغَدِیرِ نَبِیُّهُمْ...». یعنی، پیامبر، مردم را در غدیر خم، به بانگی رسا، ندا درداد که: (ای مردم)، مولا و ولی شما کیست؟ همه صریحاً پاسخ دادند: مولای ما خدای تو می‌باشد، و تو ولی مایی و تا کنون از ما تمردی نسبت به فرمان خویش ندیده‌ای. سپس (پیامبر) به علی گفت: برخیز! که خرسندم، پس از من، امام و هادی (امت) باشی.

بحث دیگر امینی، معرفی کاروان شاعران غدیر و ذکر غدیره‌های شیوا و استوار آنان است. وی نخست به بحثی قرآنی و روایی، تحت عنوان «الشعر و الشعراء»^۶ در باره شعر و شاعری از دیدگاه اسلام پرداخته و اهتمام پیامبر و امامان اهل بیت علیهم السلام به ترویج شعر و شاعران متعهد و تشویق و تحریض مردم به حفظ اشعار آنان^۷ را نشان می‌دهد و سپس مجلدات دوم تا هفتم و نیز یازدهم الغدیر را تماماً یا بعضاً به معرفی شاعران غدیر (بالغ بر ۱۰۵ تن شاعر از عصر رسالت تا قرن ۱۲ هجری و ذکر غدیره‌های ایشان اختصاص می‌دهد.

کتاب الغدیر ضمناً در خلال مباحث، ده‌ها نکته و مبحث تاریخی و کلامی و فقهی و ادبی و لغوی و غیره را نیز مطرح ساخته که به عنوان مهم‌ترین آنها می‌توان به بحث‌های مستند و گسترده پیرامون امور زیر اشاره کرد: ذکر مستند احادیث اهل سنت درباره فضایل و مناقب علی و اهل بیت علیهم السلام، نقد و بررسی کارنامه خلفا، شرح حال رجال و مشاهیر تاریخ اسلام و ایران (از خلفا و صحابه و تابعین و منسوبان پیامبر^ص گرفته تا حاکمان و وزیران و عالمان و شاعران مسلمان در ۱۴ قرن اخیر) و بالاخره: مباحث کلامی، فقهی، تفسیری و ادبی گوناگون، نظیر نقل دیدگاه‌های شیعه درباره عدم تحریف قرآن و نیز خلافت.

تمجید و ستایش

علامه بزرگ سیدعبدالحسین شرف‌الدین عاملی، مصلح مشهور شیعی، که صاحب آثار کم‌نظیر و قلمی شیوا و تواناست نیز یادداشتی برای نویسنده الغدیر فرستاده و کوشیده حق مطلب را در مورد آن بزرگمرد ادا کند:

تمجید و ستایش در پیرامون این کتاب «الغدیر» و مانند آن کوچکترین و کمترین اقدامی است که در برابر کوشش‌های شما و سنجش میزان کاوش و دقت شما به عمل می‌آید.

عمر طولانی

همچنین مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی، کتاب‌شناس، رجالی و تراجم‌نگار بزرگ شیعه، در نامه‌ای به علامه امینی در وصف کتاب الغدیر و صاحب آن، تعابیر عجیب و بلندی می‌نگارد که گوشه‌ای از آن بدین شرح است:

من قاصرم از وصف این کتاب گرانبها و ستایش آن. «الغدیر» بالاتر و بزرگتر از آن است که آن را وصف کنند و ثنا گویند. من تنها کاری که می‌توانم کرد این است که دعا کنم تا خداوند عمر مولف کتاب را طولانی کند، و به او فرجام نیک بخشد. این است که با خلوص دل، از درگاه خدای متعال مسالت می‌کنم که بقیه عمر مرا بر عمر شریف او بیفزاید تا او بتواند به همه آرمان خویش دست یابد.

رضا مختاری، سیمای فرزاتگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۱۵۱

بخش مهمی از کتاب الغدیر، به گزارش و نقد عالمانه سخنان کسانی اختصاص دارد که مناسفانه روی تعصب کور کورانه به انکار یا تحریف حقایق پرداخته‌اند. با مشاهده حجم کار امینی در این عرصه، باید گفت: براستی، یک‌تنه، کار یک لشکر کرده‌است!

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک. الغدیر، ۱۴۰۶/۱، به نقل از کتب اهل سنت، ۲-الغدیر، ۲۲/۱ - ۶۲-۳ - و نیز راویان مورد اعتماد بخاری و مسلم نظیر: یحیی بن آدم، اسود بن عامر، عبدا بن زید و... که از محدثان برجسته اهل تسنن در قرن سوم محسوب می‌شوند ۴. برای اسامی آنها ر.ک. الغدیر، ۱۵۱/۱ به بعد ۵- ر.ک. همان: ۱/ ۱۵۲-۱۵۸ ۶- همان: ۱۹۹/۱ - ۷- ر.ک. الغدیر، ۳۱۳/۱ - ۲۹۴ - ۸- ر.ک. همان: ۳۱۴ - ۳۱۵ ۹- الغدیر، ۳۲۲/۱ - ۳۱۴ - ۱۰- همان: ۲۴/۲ - ۱۱- امینی، در اثبات جواز و مشروعیت شعر شاعران متعهد، حتی اشعاری را که در مواقع مختلف (زمان ولادت پیامبر و علی علیهما السلام، هنگام اطعام انصار توسط پیامبر در مدینه به شیر، شب وفات پیامبر، و روز شهادت فرزندش حسین علیه السلام، و...) انسانها را سروش غیبی شنیده‌اند، ذکر می‌کند (الغدیر، ۱۶/۲-۹) و به طریق اولی از نقل نام صحابیان مشهوری که در مناسبت‌های گوناگون، شعر را چون شمشیری آخته بر فرق کفر و شرک کوبیده‌اند، نمی‌گذرد (همان: ۱۶-۱۷/۲). تصریح می‌کند: «...أنا نعد ذلک خدمه للدين و اعلاً لکلمه الحق و أحیاً للأمة الاسلامیه». یعنی، مقصود عمده ما از معرفی شعری غدیر و ذکر اشعارشان (در توالی قرون)، اثبات شهرت حدیث غدیر و «تواتر» آن در هر نسل و دوره است. با این هدف که به دین اسلام خدمت کنیم، درفش حقیقت را برافرازیم، و امت اسلامی را زنده کنیم (همان: ۲/۱).

از دانشمندان عامه را در «تصحیح و توثیق» حدیث غدیر، و اثبات «تواتر» آن متذکر می‌شود^۷ و با ذکر سخن دانشمندانی چون حافظ ابوعیسی ترمذی (متوفی ۲۷۹) که حدیث غدیر را «حدیث حسن صحیح» می‌شمارد، اجماع شیعه و سنی بر اعتبار این حدیث را مدلل می‌سازد.^۸ در ادامه، او محکمه‌ای برپا کرده و مغرضان و متعصبان خشکی را که از سر عناد با خاندان پیامبر^ص بر حدیث غدیر طعن زده و آن را ضعیف! شمرده‌اند، به محاکمه می‌کشد.^۹ مثلاً پرونده ابن حزم اندلسی را - که سلف ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب از بنیانگذاران و سران فکری جریان وهابیت محسوب می‌شود-گشوده و اندیشه‌های خطا و اجتهادات سستش را آشکار می‌سازد.

پس از پایان بحث در باره «سند» حدیث غدیر، نوبت به بررسی «مفاد» آن می‌رسد. واژه راهگشا و کلیدی در این حدیث، واژه «مولی» است که درک معنای دقیق آن در خطبه پیامبر، پیام غدیر را کاملاً واضح ساخته و بر مغلطه‌ها و سوء فهم‌ها خط بطلان می‌کشد. به دیده امینی: واژه «مولی» در حدیث غدیر، بی تردید به معنی امامت و سرپرستی امت است. خلیفه اول و دوم در تبریک به علی^ع در روز غدیر، علی^ع در نامه به معاویه، و حسان بن ثابت (ملک الشعراء پیامبر^ص) و کمیت بن زید اسدی (شاعر شهیر و زبردست عصر اموی) در اشعارشان، و ابوتمام طائی (ادیب برجسته عرب) در کلام خویش، از واژه «مولی» دقیقاً همین معنا را فهمیده‌اند. در شعر حسان که، در همان روز غدیر و به مناسبت اعلام خلافت امیر علیه السلام از سوی پیامبر، سروده و هیچ یک از مسلمانان حاضر در غدیر بر وی خرده نگرفته، بلکه آن را تلقی به قبول کرده‌اند،